

نقش ویژگی های جمعیت شناختی در پیش بینی تعهد زناشویی در زوج های مراجعه کننده به کلینیک روان شناسی شهر تهران سال ۱۳۹۶

مطهره حسینی^۱، فرهاد جمهری^۲ و محمد محمدی^۳

۱ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

۲ دکترای روانشناسی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی گروه بالینی

۳ دکترای تخصصی دانشگاه علوم پزشکی تهران

چکیده

هدف: مطالعات اندکی رابطه ویژگیهای جمعیت شناختی و میزان تعهد زناشویی را سنجیده اند. کم اطلاعی و کم اهمیتی نسبت به این ویژگیها باعث تداوم آنها و تداوم تبعات منفی ناشی از آنها مثل افت کیفیت پیوند زناشویی می شود. لذا هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش آسیب شناسی ویژگیهای جمعیت شناختی در پیش بینی تعهد زناشویی در زوج های مراجعه کننده به کلینیک روان شناسی می باشد. روش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه ی آماری پژوهش شامل کلیه زوج های مراجعه کننده به سه کلینیک روانشناسی و مشاوره شهر تهران در بازه زمانی ۹۶/۱/۱۵ لغایت ۹۶/۴/۱۵ بود و تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۱۰ نفر بصورت زوج (۵۵ زن و ۵۵ مرد) به روش نمونه گیری غیرتصادفی و هدفمند انتخاب شده و پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز و (DCI) (۱۹۹۷) را تکمیل نمودند. برای تجزیه آماری نیز از نرم افزار spss نسخه ۲۲ استفاده شد. یافته ها: نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد عامل تعداد فرزندان از عوامل دموگرافیک در سطح معناداری ۰/۰۱ به صورت مثبت تعهد زناشویی را پیش بینی نمود.

واژگان کلیدی: تعهد زناشویی، ویژگیهای جمعیت شناختی

مقدمه

ازدواج یک رابطه بین فردی است که تبعات آن بر روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تاریخی مؤثر است. سابقه ازدواج به سابقه پیدایش انسان و ایجاد و تداوم نسل بشر بر می گردد. ازدواج در تعریف متداول آن تعهد عرفی و اخلاقی یک زن و مرد به یکدیگر برای زندگی مشترک است که معمولاً با تعهد^۱ و ثبت قانونی نیز همراه می شود. گرچه انواع دیگر ازدواج مانند ازدواج همجنسگرایان در برخی کشورها به رسمیت شناخته شده است، اما همچنان اکثریت ازدواج ها در جوامع مختلف بشری به معنی پیوند زناشویی یک مرد و یک زن می باشد. (هاویلند و همکاران، ۲۰۱۱).

مطالعات مختلف ارتباط مثبت معنی دار بین کیفیت ازدواج و رضایتمندی زوج از یک طرف و بهبود شاخص های سلامتی از سوی دیگر را گزارش کرده اند. مطالعه متاآنالیز منتشر شده در سال ۲۰۱۴، پژوهش های ۵۰ سال اخیر در این زمینه را ارزیابی کرده و به این نتیجه مهم رسیده است که افزایش کیفیت و رضایتمندی ازدواج صرف نظر از سایر عوامل، در کاهش مرگ و میر افراد مؤثر است. (رابلز و همکاران، ۲۰۱۴). با ارتقا کیفیت پیوند زناشویی، حدود یک سوم از مبتلایان به اختلالات خواب، بهبودی معنی داری در وضعیت خواب آنها به دست می آید. این در حالی است که روند افزایشی آمار طلاق در دنیا و در ایران و تبعات منفی آن، نگران کننده است. (تاث و کمل مایر، ۲۰۰۹). در ایران طی سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ میلادی نرخ طلاق ۴۵ درصد افزایش داشته است. (آقاجانیان و تامپسون، ۱۳۹۲). در کنار این روند افزایشی نرخ طلاق رسمی در جهان و در ایران، آمار پراکنده از میزان طلاق عاطفی و خیانت های زناشویی نیز هشدار دهنده است به عنوان نمونه میزان طلاق عاطفی در ایران در سال ۱۳۹۳، ۳۸ درصد برآورد شد. (اسدی، ۱۳۹۳) یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت ازدواج و ماندگاری و ثبات آن، «تعهد زناشویی» می باشد. در مطالعه ای سه عامل کلی اجتماعی- فرهنگی، خانوادگی و فردی به عنوان عوامل اصلی طلاق در ایران ارزیابی شده است. (صفی زاده و نخعی، ۲۰۱۶). فاکتورهای مؤثر بر تعهد زناشویی نیز متعدد است. سه دسته کلی فردی، خانوایی- زناشویی و اجتماعی در این رابطه مطرح است. رضایتمندی از رابطه جنسی، تعهد مذهبی و اخلاقی، تناسب اقتصادی و فرهنگی، اختلالات روانشناختی و ویژگی های شخصیتی از جمله عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی می باشد (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲).

حفظ و ارتقا کیفیت رابطه یک زوج در ازدواج، در علوم پزشکی و جنبه های جسمی فرد نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. ظاهری و همکاران (۲۰۱۶) در یک مطالعه مروری بر عوامل مؤثر بر رضایت ازدواج در مردان و زنان ایرانی در طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ به ۶ عامل کلی رسیدند که عبارت بودند از: ۱. عوامل دموگرافیک (سن ازدواج، فاصله سنی زوج، طول زمان ازدواج، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال و سطح درآمد مرد، ازدواج سنتی یا غیرسنتی، وجود و تعداد فرزند یا فرزندان، وضعیت اقتصادی)، ۲. عوامل بین فردی (تیپ شخصیتی و اختلالات شخصیت)، ۳. عوامل ارتباطی (ارتباط مؤثر، صمیمیت، تعهد زناشویی)، ۴. عوامل روانشناختی (اختلالات روانشناختی به ویژه افسردگی و اضطراب)، ۵. عوامل معنوی و دینی، ۶. رابطه جنسی و کیفیت آن (ظاهری و همکاران، ۲۰۱۶). اهمیت شناخت و بررسی عواملی که سبب بهبود کیفیت ازدواج و استحکام نهاد خانواده می گردند، می تواند گامی مفید در راستای ارتقای سطح سلامت فرد و جامعه باشد. عوامل مختلفی بر استحکام و دوام خانواده تاثیر می گذارند که از جمله آنها تعهد بین زوج است. آماتو^۵ (۲۰۰۸) معتقد است که تعهد زناشویی به این معنی است که زوج تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائلند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواج شان انگیزه دارند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴). جانسون^۶ (۱۹۹۶) مدلی را ارائه داده است که در آن تعهد زناشویی به سه نوع تعهد شخصی^۷، تعهد اخلاقی^۸ و تعهد ساختاری^۹ تقسیم می شود. تعهد

Commitment
Havilland
Robles
Gass & Kemelmire
Amoto
Johnson
Personal Commitment

شخصی به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه ی زناشویی است. تعهد اخلاقی بیانگر وفاداری اخلاقی فرد به ازدواج است و تعهد ساختاری نیز به موانع و محدودیت های موجود در ترک رابطه ی زناشویی و احساس اجبار به تداوم آن رابطه یا ترس از پیامدهای طلاق اشاره دارد. (عسگری، پاشا و آذرکیش، ۱۳۹۰). در مطالعه صفی زاده و همکاران (۲۰۱۶) سه عامل کلی اجتماعی- فرهنگی، خانوادگی و فردی به عنوان عوامل اصلی طلاق در ایران جمع بندی نموده اند. اختلالات روانشناختی و خیانت از عوامل موثر فردی در افزایش روند طلاق در ایران گزارش شده است (صفی زاده و نخعی، ۲۰۱۶). در پژوهش کوهان و کلینبالوم (۱۹۹۷) نشان داده شد که عدم تعهد مهم ترین عامل برای طلاق به شمار آمده و ۳۱٪ افراد، فقدان تعهد در روابطشان را، دلیل طلاق خود دانسته اند (کوهان و کلینبالوم، ۱۹۹۷). حفظ روابط زناشویی نیاز به تعهد، حساسیت، سخاوت، ملاحظه، صمیمیت، وفاداری، مسولیت پذیری، اعتماد و اطمینان دارد. طبق گزارش علمی رینولد و منسفیلد (۱۹۹۸)، پس از عامل عشق و لذت از مصاحبت با همسر، تعهد دومین عامل ضامن دوام ازدواج می باشد (کلارک وارن، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۹۲). در خانواده های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می کنند بلکه در رشد و تعالی هر یک از اعضای آن می کوشند. (هریس، ۲۰۱۱). تعهد، به زوج اجازه می دهد تا به طور موثری در برابر خواسته های یکدیگر انعطاف داشته باشند. (پترسون، ۲۰۱۳). موضوعی که در ازدواج باعث افزایش رضایت از زندگی و رضایت زناشویی و کیفیت آن می شود. (سباتلی، ۲۰۱۴). تعهد به واسطه ی تجربه ی جذابیت، به صورت رفتار شایسته، مناسب ظاهر می شود و به مجرد زیاد شدن آن، روابط پایدار و عمیق تری پیدا می کند. (جانسون، ۱۹۹۶).

با وجود اینکه در سال های اخیر تعهد هم در تئوری های روابط شخصی "آدامز و جونز" و هم در تحقیق روی روابط شخصی توجه فزاینده ای را دریافت کرده است اما در مقایسه با سازه های دیگر مرتبط با روابط زناشویی مانند رضایت زناشویی کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است (هاشم آبادی و همکاران، ۱۳۸۹؛ به نقل از حیدری، ۱۳۹۰). مطالعات اندکی رابطه ویژگیهای جمعیت شناختی و میزان تعهد زناشویی را سنجیده اند. کم اطلاعی و کم اهمیتی نسبت به ویژگیهای جمعیت شناختی باعث تداوم آنها و تداوم تبعات منفی ناشی از آنها مثل افت کیفیت پیوند زناشویی می شود. ارزیابی ویژگیهای جمعیت شناختی در جوامع مختلف و تبعات هر کدام از آنها بر روی کیفیت زندگی افراد و کیفیت پیوند زناشویی آنها مهم به نظر می رسد. بدین منظور این مطالعه مقطعی برای ارزیابی نقش ویژگیهای جمعیت شناختی در پیش بینی تعهد زناشویی طراحی گردیده و لذا این سؤال اصلی مطرح شده است که آیا ویژگیهای جمعیت شناختی توانایی پیش بینی تعهد زناشویی را دارد؟

روش پژوهش

این تحقیق بر اساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است و از لحاظ شیوه اجرا توصیفی (همبستگی) می باشد. روش گردآوری اطلاعات، میدانی می باشد. جامعه ی آماری پژوهش شامل کلیه زوج های مراجعه کننده به سه کلینیک روانشناسی (سعادت آباد، اکسیر، راز) و مشاوره واقع در شهر تهران در بازه زمانی ۹۶/۱/۱۵ لغایت ۹۶/۴/۱۵ می باشد. تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۱۰ نفر (۵۵ زن و ۵۵ مرد) یا به بیانی دیگر ۵۵ زوج محاسبه گردید. روش نمونه گیری، غیر تصادفی و هدفمند بود. مجری پژوهش ضمن توضیح طرح و جلب رضایت برای همکاری اطلاعات دموگرافیک شامل سن، جنسیت، میزان تحصیلات، مدت تاهل و تعداد فرزندان فرد را ثبت می کند. پس از کسب رضایت نامه اخلاقی از افراد، پرسشنامه مربوط به تعهد زناشویی از هر کدام از زوج

Moral Commitment
Structural Commitment
Kouhan & Cleanbaloum
Reinold & Mansfield
Harris
Patterson
Sbatelli

ها گرفته می شود. برای تحلیل داده‌های آماری از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده می شود. با کمک آمار توصیفی، جهت مشاهده و بررسی آسان، داده‌ها در جداول قرار گرفته و با کمک آمار استنباطی به آزمون فرضیه‌ها و بررسی نتایج پرداخته می شود. جهت تحلیل فرضیه‌ها، از آزمون همبستگی پیرسون (در صورت نرمال بودن توزیع داده‌ها) استفاده می شود. و از تحلیل رگرسیون جهت تعیین متغیرهای پیش بینی کننده تعهد زناشویی استفاده می گردد. همچنین از آزمون t مستقل و ANOVA جهت بررسی رابطه بین متغیرهای کیفی و کمی استفاده خواهد شد. از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ جهت انجام آزمون‌های آماری استفاده می شود.

ابزار جمع آوری داده‌ها

پرسشنامه استاندارد تعهد زناشویی

میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه گیری می کند. این پرسشنامه به وسیله آدامز و جونز در سال ۱۹۹۷ تهیه و تدوین شده است و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه گیری می کند. که شامل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری است.

مؤلفه‌های پرسشنامه شامل: تعهد به همسر(شخصی): سوالات ۱ تا ۱۰، تعهد به ازدواج(اخلاقی): ۱۱ تا ۲۲ و احساس تعهد(ساختاری): ۲۳ تا ۴۴

نمره گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت پنج درجه ای و از کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱ می باشد. سوالات ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. دامنه کلی نمرات افراد بین ۱ تا ۲۲۰ نمره است و نمره بالا در این آزمون، بالابودن تعهد زوج را نشان می دهد.

آدامز و جونز در ۶ پژوهش گوناگون برای رسیدن به پایایی و روایی پرسشنامه آن را در مورد ۴۱۷ نفر متاهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر پرسش با نمره کل پرسشنامه بالا و معنادار بود. پایایی کل پرسشنامه ۸۲٪ گزارش شد. آدامز و جونز، میزان پایایی هر یک از مقیاس‌های این آزمون را بر روی نمونه مذکور به این شرح به دست آورده‌اند: تعهد ساختاری ۰/۸۶، تعهد اخلاقی ۰/۸۹، تعهد شخصی ۰/۹۱. در ایران نیز در پژوهش عباسی (۱۳۹۰) میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۵ به دست آمده است در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تعهد ساختاری ۰/۷۸، تعهد اخلاقی ۰/۷۶، تعهد شخصی ۰/۶۶ به دست آمد. در پژوهش زارعی و حسینقلی (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمد. در اعتباریابی آزمون توسط شاه مرادی، بهرامی و محبی(۱۳۹۰)، روایی محتوایی توسط اساتید دانشگاه اصفهان تایید و آلفای کرونباخ ۸۵٪ به دست آمد.

یافته‌ها:

توصیف گروه نمونه

الف) جنسیت: جدول ۱ گروه نمونه را براساس جنسیت توصیف نموده است

جدول ۱: توصیف گروه نمونه بر اساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۵۵	۵۰
مرد	۵۵	۵۰
کل	۱۱۰	۱۰۰

جدول ۱ نشان می دهد که ۵۵ نفر از شرکت کنندگان (۵۰ درصد) مرد و ۵۵ نفر دیگر (۵۰ درصد) زن بودند.
 ب) سن: جدول ۲ گروه نمونه را براساس شاخص سنی توصیف نموده است.

جدول ۲: توصیف گروه نمونه بر اساس سن

شاخص	مردان	زنان	کل
میانگین	۴۰/۳۶	۳۵/۷۵	۳۶
انحراف معیار	۷/۴	۶/۸۲	۷/۴۶

جدول ۲ نشان می دهد که میانگین سنی گروه مردان ۴۰/۳۶ و میانگین سنی گروه زنان ۳۵/۷۵ سال می باشد.

ج و د) طول مدت ازدواج و تعداد فرزندان: جدول ۳ گروه نمونه را براساس تعداد فرزندان و طول مدت ازدواج توصیف نموده است.

جدول ۳: توصیف گروه نمونه بر اساس تعداد فرزندان و طول مدت ازدواج

تعداد فرزندان	طول مدت ازدواج به سال	
میانگین	۱/۶۸	۱۳/۵
انحراف معیار	۰/۷۸	۶/۲۶

مطابق اطلاعات حاصل از جدول، تعداد فرزندان به طور متوسط بین ۱ تا ۲ فرزند (۱/۶۸) به دست آمد. میانگین طول مدت ازدواج در زوج ها ۱۳ سال و نیم با انحراف معیار ۶ سال به دست آمد.

ه) تحصیلات: جدول ۴ گروه نمونه را براساس تحصیلات توصیف نموده است.

جدول ۴: توصیف گروه نمونه بر اساس تحصیلات

سطح تحصیلات	تعداد	درصد	درصد تجمعی
ابتدایی و راهنمایی	۶	۵/۵	۵/۵
دیپلم	۳۶	۳۲/۷	۳۸/۲
فوق دیپلم	۱۳	۱۱/۸	۵۰
کارشناسی	۳۵	۳۱/۸	۸۱/۸
کارشناسی ارشد	۱۷	۱۵/۵	۹۷/۳
دکتری	۳	۲/۷	۱۰۰
مجموع	۱۱۰	۱۰۰	

همان گونه که در جدول قابل مشاهده می باشد، از نظر سطح تحصیلات افراد شرکت کننده در این پژوهش، حدود ۳۸ درصد از سواد ابتدایی تا دیپلم داشتند و حدود ۶۲ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بودند.
 جدول ۵ میانگین، انحراف استاندارد متغیر تعهد زناشویی را نشان می دهد.

جدول ۵: میانگین و انحراف استاندارد تعهد زناشویی

تعداد	میانگین	انحراف معیار
۱۱۰	۰/۶۰۳	۰/۱۲۳

مطابق اطلاعات حاصل از جدول، میانگین تعهد زناشویی ۰/۶۰۳ با انحراف معیار ۰/۱۲۳ می باشد.

بررسی فرضیات پژوهش:

عوامل دموگرافیک، تعهد زناشویی در زوج‌های مراجعه کننده به کلینیک روانشناسی را پیش بینی می کنند. نتایج همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین سن و داشتن فرزند با تعهد زناشویی در سطح آلفای ۰/۰۱ و بین مدت زمان ازدواج و تعهد زناشویی در سطح آلفای ۰/۰۵ رابطه معنی دار است. با توجه به مثبت بودن ضرایب بدست آمده می توان گفت بین سن، داشتن فرزند و مدت زمان ازدواج با تعهد زناشویی ارتباط مثبت وجود دارد.

جدول ۶: رابطه عوامل دموگرافیک با نمره آزمون تعهد زناشویی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
سن	۱					
جنسیت	۰/۳۱۱**	۱				
تحصیلات	-۰/۱۰۵	-۰/۰۹۱	۱			
تعداد فرزندان	۰/۱۵۰۷**	۰/۰۱	-۰/۰۹۶	۱		
مدت ازدواج	۰/۷۶۱**	۰/۰۰۴	-۰/۱۱۹	۰/۵۸۱**	۱	
تعهد زناشویی	۰/۳۰۸**	۰/۰۷۸	-0.029	0.528**	0.236*	1

جدول ۷: رگرسیون چند متغیری در پیش بینی تعهد زناشویی در زوج براساس اطلاعات دموگرافیک

متغیرها	B	SE	B	T	سطح معناداری
تعداد فرزندان	۰,۰۷۵	۰,۰۱۳	۰,۵۷۰	۵,۶۱۹	۰/۰۰۰
$R^2=۰/۳۰۶$ و $adjR^2=۰/۲۷۲$					$F(۹,۱۵۷)$ ، $P<۰/۰۱$

اطلاعات جدول نشان می دهد که از عوامل دموگرافیک که وارد معادله پیش بینی تعهد زناشویی شدند، عامل تعداد فرزندان در سطح معناداری ۰/۰۱ آن را پیش بینی نمود ($p<۰/۰۱$)، $F(۹,۱۵۷)$. بررسی مجذور همبستگی چندگانه بدست آمده نشان داد که ارزش ضرایب همبستگی های چند گانه (R^2) برابر با ۰/۳۰۶ است. این موضوع نشان می دهد که الگوی دموگرافیک مطرح شده ۳۰/۶ درصد از واریانس تعهد زناشویی را در زوج ها تبیین نموده است. ضریب رگرسیون بین الگوی تعداد فرزندان ($p<۰/۰۱$) و $\beta=-۰/۵۷۰$ و تعهد زناشویی مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. بدین ترتیب چنین نتیجه گیری شد که الگوی دموگرافیک تعداد فرزندان به صورت مثبت و معنادار تعهد زناشویی را در زوج ها پیش بینی می کند.

ارزیابی متغیرهای کیفی:

علاوه بر آزمون های صورت گرفته در بالا، متغیرهای پژوهش به صورت کیفی نیز مورد بررسی قرار گرفتند که در ادامه شرح داده می شوند.

درباره جنسیت و نمره تعهد زناشویی، میانگین این نمره در خانم ها 0.59 و در آقایان 0.61 بوده است که با استفاده از آزمون independent t-test این اختلاف میانگین ها در دو گروه زن و مرد، معنی دار نبود.

$$P \text{ Value} = 0.451$$

درباره رابطه سن افراد با نمره تعهد زناشویی، زمانیکه این دومتغیر کمی را با رابطه همبستگی مورد سنجش قرار می دهیم، رابطه مثبت معنی داری به دست می آید که ضریب همبستگی 0.3 می باشد.

$$r = 0.3, n = 110, P \text{ Value} = 0.001$$

اما با تبدیل متغیر کمی سن افراد به متغیر کیفی سه حالتی (گروه یک: سن ۱۸ تا ۳۲ سال، گروه دو: سن ۳۲ تا ۳۸ سال، گروه سه: ۳۹ سال و بیش تر) با توجه به توزیع سن (میانگین ۳۸ سال) با استفاده از آزمون ANOVA (مقایسه میانگین نمره آزمون کمی تعهد زناشویی در سه گروه سنی) اختلاف معنی داری بین گروه ۱ و ۳ و نیز ۲ و ۳ به روش Tukey در آزمون Post-hoc به دست آمد. P Value به ترتیب 0.009 و 0.044 به بیان ساده تر با افزایش سن افراد، میزان تعهد زناشویی آنها اندکی افزایش می یابد.

درباره رابطه میزان تحصیلات و نمره تعهد زناشویی، در جمعیت فاقد تحصیلات دانشگاهی میانگین نمره تعهد زناشویی 0.63 به دست آمد و در جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی، تعهد زناشویی 0.58 به دست آمد که البته از نظر آماری (آزمون independent t-test) این تفاوت معنی دار نیست. P Value = 0.052

نمرات تعهد زناشویی افراد به تفکیک سطح تحصیلات در جدول ۶ قابل مشاهده است که با توجه به کم بودن تعداد افراد در برخی زیر گروه های تحصیلی - مثلاً دکتری تنها ۳ نفر - نمره آزمون تعهد برای آنها قابل اعتنا نیست.

جدول ۸: میانگین و انحراف معیار نمرات آزمون تعهد بر اساس میزان تحصیلات

انحراف معیار آزمون تعهد	میانگین نمره آزمون تعهد	تعداد	
۰/۰۷۹	۰/۶۶۷	۶	ابتدایی و راهنمایی
۰/۱۰۸	۰/۶۲۶	۳۶	دیپلم
۰/۱۱۱	۰/۴۶۲	۱۳	فوق دیپلم
۰/۱۳۴	۰/۵۹۵	۳۵	کارشناسی
۰/۶۴	۰/۶۶۲	۱۷	کارشناسی ارشد
۰/۰۷۲	۰/۵۷	۳	دکتری
۰/۱۲۳	۰/۶۰۳	۱۱۰	مجموع

از میان جمعیت مورد مطالعه، ۲۰ درصد (۲۲ نفر) فاقد فرزند و ۸۰ درصد (۸۸ نفر) دارای فرزند بودند. نمره آزمون تعهد زناشویی آدامز و جونز به طور معنی داری در افرادی که حداقل یک فرزند دارند- بر اساس آزمون تی تست مستقل- نسبت به افراد فاقد فرزند بیشتر است. P Value < 0.001 (نمره آزمون تعهد زناشویی 0.64 در برابر 0.49)

از نظر ارتباط طول مدت ازدواج افراد- به سال- با نمره آزمون تعهد زناشویی- تعیین رابطه دو متغیر کمی- اگرچه همبستگی معنی داری وجود دارد اما ضریب این همبستگی قابل اعتنا نیست. r = 0.236, n = 110, P = 0.013

همچنین با تبدیل متغیر کمی طول مدت ازدواج به متغیری کیفی- طول مدت ازدواج کمتر از ۷ سال و بیش از ۷ سال- رابطه معنی داری با نمره آزمون تعهد زناشویی به دست نیامد. P Value = 0.676

با تبدیل متغیر کمی طول مدت ازدواج به متغیری کیفی- نقطه برش ۳ سال و نقطه برش ۱۰ سال- نیز رابطه معنی داری بین این متغیر و نمره تعهد زناشویی به دست نیامد. P Value به ترتیب 0.531 و 0.622

بحث و نتیجه گیری:

در مطالعه ما از بین عوامل دموگرافیک سه عامل افزایش سن، داشتن فرزند و طول مدت ازدواج با افزایش تعهد زناشویی رابطه مثبت معنی دار دارند. اما در مدل رگرسیون خطی گام به گام، تنها داشتن فرزند پیش بینی کننده تعهد زناشویی بیشتر می باشد. میزان تحصیلات و جنسیت در میزان تعهد زناشویی در مطالعه ما تاثیر معنی داری نداشتند.

در تبیین نتایج بدست آمده می توان گفت ثابت شده است که تعهد سرمایه زناشویی با ارزشی است که حتی نسبت به عاطفه مثبت و روابط موثر در امر ازدواج مهم تر است. یافته های احمدی (۱۳۹۰) بیانگر آن است که تعهد زناشویی در درجه اول به بهبود روابط و تقویت و تحکیم آن در بین زن و شوهر کمک می کند، وظایف والدینی را تسریع می کند، به والدین کمک می کند تا در زمینه ی روش های تربیت فرزند با هم توافق داشته باشند، ضمن این که روابط مناسبی با فرزندان خود برقرار نمایند و همچنین موجب می شود که زن و شوهر دیدگاه فلسفی و اهداف مشترکی را در زندگی دنبال کنند. در مرتبه ی بعد تعهد زناشویی به افراد کمک می کند تا اوقات فراغت آنها در پیش خانواده و به همراه خانواده باشد و برنامه ریزی مناسب در این زمینه داشته باشند. در درجه ی سوم به افراد کمک می کند تا تفاوت در سلیقه ی یکدیگر را بپذیرند و با آن سازگار شوند. در درجه چهارم بتوانند تعارضات بین خود و همسر را به خوبی حل کنند، برای درآمد و هزینه های خود برنامه ریزی کنند و بالاخره در درجه ی پنجم روابط جنسی متقابلاً رضایت بخشی داشته باشند.

این نتایج با نتایج پژوهش های حسینی و همکاران (۱۳۹۴)، احمدی (۱۳۹۰) و شاه مرادی و همکاران (۱۳۹۰) همسو می باشد. وینه (۱۹۸۴) معتقد بود وجود فرزندان نقطه شروع نظام ارتباطی زوج بوده و پایه و اساس سایر الگوها و فرآیندهایی مانند صمیمیت و ارتباط محسوب می شود. ویزون و همکاران (۲۰۰۹) بیان می کنند که دلبستگی به فرزندان و تعداد فرزندان از جمله متغیرهایی است که نقش تنظیم کننده ای در روابط عاشقانه و شاید مشکلات زناشویی ایجاد می کند. در حقیقت وجود فرزندان مراقبتی درونی را در زوج ایجاد می کند که بر اساس آن وظایف محوله انجام و رفتارهای ناهنجار و غیر معمول و غیر قانونی ترک می شود. بنابراین می توان ادعا نمود که وجود فرزندان بازتاب رشد خویشتن است برای اینکه فردی بتواند رفتارش را کنترل کند. باید این نکته را که او عامل علی یک رفتار در فرزند خود می تواند باشد را درک کند و متوجه باشد که رفتار و پیامد آن حاصل عملی است که او تا حدی می تواند بر آن کنترل داشته باشد. این کنترل و مراقبت از عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی می باشد که ناشی از وجود و حضور فرزندان در محیط خانه است.

نتایج مطالعه ما پیرامون عوامل دموگرافیک و میزان تعهد زناشویی با یافته های مطالعات حسینی و همکاران (۱۳۹۴) و ظاهری و همکاران (۲۰۱۶) همسو می باشد.

یافته های زنگنه (۱۳۹۰) نیز نشان می دهد که متغیرهای سن زن و شوهر، سن ازدواج زن و شوهر، طول مدت ازدواج زوجین، تعداد فرزندان، میزان پایبندی زوجین به اعتقادات دینی، میزان آزادی زوجین در انتخاب همسر، میزان تحصیلات زن و درآمد شوهر، دارای رابطه معکوس و معنادار و متغیرهای تفاوت سنی زوجین، دخالت خویشاوندان و نزدیکان زوج، تجربه و مشاهده ی خشونت والدین توسط زوج در خانواده، خواستگاه و میزان تحصیلات شوهر، دارای رابطه مثبت و معنادار با رفتارهای تکانشی و پرخاشگرانه شوهران در خانواده می باشد. در نهایت مشاوره پیش از ازدواج و بررسی الگوهای بالینی زوج می تواند در بهبود کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن در زوج مؤثر باشد. پیشنهاد می شود کارگاه های آموزشی با موضوع راه های پیشگیری از تعارضات زناشویی توسط مشاوران و روانشناسان، برگزار گردد.

منابع فارسی

- احمدی، محمد (۱۳۹۰). بررسی رابطه رضایت زناشویی با تعهد زناشویی در زوج، چکیده مقالات همایش منطقه ای ازدواج و خانواده، شهرکرد
- اسدی، کیمیا (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در خانواده های ساکن در شهرستان شهریار، پایان نامه کارشناسی روانشناسی، دانشگاه پیام نور، پرند
- آقاجانیان، اکبر و تامپسون، وایدا (۱۳۹۲). روند طلاق در ایران، مجله طلاق و بازنشستگی، ۵۴:۲، ۱۱۲-۱۲۵
- حسینی، امین؛ زهراکار، کیانوش؛ داورنیا، رضا؛ شاکرمی، محمد و محمدی، بهناز (۱۳۹۴). رابطه ی تعهد زناشویی با ویژگی های شخصیتی، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، دوره ۲۲، شماره ۵، ۷۹۶-۷۸۸
- حسینی، عباس؛ پیروی، حمیدرضا؛ مقدم، احمد و عابدیان، احمد (۱۳۹۴). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی، تعهد زناشویی و سلامت عمومی زوج، سومین سمینار سراسری بهداشت روانی. دانشگاه تربیت مدرس
- حیدری، علیرضا؛ اقبال، فرشته (۱۳۹۰). رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوج صنایع فولاد شهر اهواز، یافته های نو در روان شناسی، سال پنجم، دوره ی ۱۵ ص: ۱۳۴-۱۱۵.
- زنگنه، رضا (۱۳۹۰) بررسی عوامل جمعیت شناختی خشونت مردان علیه زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران
- عباسی مولید، حسین (۱۳۹۰). رابطه ی تعهد زناشویی با ارزش های فرهنگی زوج: مطالعه موردی استان خراسان جنوبی، فصلنامه مطالعات انتظامی شرق، پیش شماره مهر، ۱۴-۷
- عسگری، پرویز؛ پاشا، غلامرضا و آذرکیش، مریم (۱۳۹۰). مقایسه ی تعهد زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه دار، مجله اندیشه و رفتار، دوره ششم، شماره ۲۱: ۵۹-۵۳
- فتحی و همکاران (۱۳۹۲). بررسی مقایسه ای میزان تعهد و رضایت زناشویی در ازدواج های دانشجویی و ازدواج های غیردانشجویی، مجموعه مقالات مشاوره خانواده و ازدواج، تهران: انجمن اولیاء و مربیان
- قنبری هاشم آبادی و همکاران (۱۳۹۰). رابطه ی بین سبک های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل، دانشگاه علامه طباطبایی، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۲(۷): ۳۹-۶۰
- کلارک وارن. نیل (۱۳۹۲). در جستجوی عشق زندگی، ترجمه مهدی قرچه داغی، چاپ ۸. تهران: نشر اوحدی
- Amoto, P. R. (2008). Studying marital interaction and commitment with survey data. *Journal Marriage Family*, 23, 53-70.
- Harris, V. W. (2011). Context and interaction: A comparison of individuals across various income levels. *Science Context*, 17(4), 48-52.
- Haviland, William A.; Prins, Harald E. L.; McBride, Bunny; Walrath, Dana. (2011). *Cultural Anthropology: The Human Challenge* (13th ed.). Cengage Learning. ISBN 978-0-495-81178-7
- Johnson MP, Caughlin JP, Huston TL. (1996). the tripartite nature of marital commitment: Personal, moral, and structural reasons to stay married. *J Marriage Fam*; 61:160-77
- Kouhan, G, & Cleanbaloum, Y, (1997). Personality and marital adjustment: Utility of the five-factor model of personality. *J Marriage Fam*; 61(3): 651-60.

- Patterson, J. M. (2012). Integrating family resilience and family stress theory. *Journal of Marriage and the Family*, 64, 349-360.
- Robles TF, et al. (2014). Marital quality and health: A meta-analytic review. *Psychol Bull*; 140(1)
- Sabatelli, E.F. (2010). Relational interdependence and commitment in marriage. *Journal of Marriage and Family*, 47, 931-937.
- Safizadeh M and Nakhaee N. (2016) Causes of Increasing Trend of Divorce in Iranian Community: What Do the Experts Think. *J Fam Med*; 3(4): 1064
- Tass T, & Kemelmire. P. (2009). I'll never be in a relationship like that again: Personal growth following romantic relationship breakups. *Personal Relationships*; 10(1), 113-28.
- Vison, G. Hafner, R.J., & Miller, R.J. (2009). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self and partner-ratings. *Journal of Personality*, 68, 413-449.
- Winne, D. (1984). *When love dies: the process of marital disaffection*. New York London: The Guilford press
- Zaheri F, et al. (2016). Effective Factors in Marital Satisfaction in Perspective of Iranian Women and Men: A systematic review. Volume: 8, Issue: 1 2, Pages: 3369-3377

The role of demographic features in predicting marital commitment in couples referring to Tehran Psychology Clinic in 1396

Motahareh Hosseini 1, Farhad Jomhri 2 and Mohammad Mohammadi 3

1 MA in Public Psychology, Islamic Azad University, Research Branch, Tehran

2 Department of Psychology, Faculty of Medicine, Allameh Tabatabaie University, Clinical Department

3 PhD in Tehran University of Medical Sciences

Abstract

Objective: Quantitative studies of the relationship between demographic characteristics and marital commitment are measured. Low awareness and insignificance towards these characteristics leads to their survival and the continuation of the negative consequences of them, such as the loss of marital quality. Therefore, the purpose of this study was to investigate the role of pathology of demographic characteristics in predicting marital commitment in couples referring to psychology clinic. **Method:** The present study was a descriptive-correlational method in terms of applied purpose. The statistical population of the study consisted of all couples referring to three psychology and counseling clinics in Tehran during the period from January 15, 1996 to April 15, 1999, and the sample size was 110 in pairs (55 women and 55 men) Were selected by non-random sampling method and Adams & Jones and (DCI) (1997) marital commitment questionnaire. SPSS 22 was used for statistical analysis. **Results:** The results of regression analysis showed that the factor of number of children from demographic factors at a significant level of 0.01 was positive predictive of marital commitment.

Key words: Marital commitment, demographic characteristics